

کودک ۱۱ ساله در قبال ۱۵ میلیون تومان، همسر مرد ۵۰ ساله شد

طفلک «رها» و کودکان در بند از دواج

در ایران سالانه بیش از ۴۱ هزار ازدواج زیر ۱۵ سال صورت می‌گیرد که بادر نظر گرفتن مصلحت از سمت پدر یا ولی قهری کودک به خانه بخت فرستاده می‌شوند. این که تا چه میزان بتوان نظری قطعی داد که از دواج زودهنگام و رابطه کودک با همسر بزرگسالش می‌تواند نوعی از بدوفیلیا باشد هم چنان مسکوت مانده است. اما جامعه جهانی به دلایل متعدد، از دواج زودهنگام نوعی کودک آزاری و محروم‌نگه داشتن کودک از تمام امکانات اجتماعی می‌دانند. انحراف بدوفیل نوعی بیماری روانی است که فرد منحرف به جای انتخاب شر یک جنسی متعارف، از کودکان کم‌سال اعم از دختر و پسر استفاده می‌کند.



اندر قهری، روزنامه‌نگار

می‌شود. به هر حال بنیان‌های سنتی و عرفی و گاه حتی قانونی و یادور زدن‌های قانونی یک جامعه مردسالار، متکی بر تصمیم‌های مردانه است و صدای بلند، که بحمدلله و العنه در این مورد ماهیچ کم نداریم. داستان رها و دخترانی مثل رها، دوباره خوانی ندارد فقط این بار رها از این منظر مطرح شد. آن هم با جزئیات، تا شاید آقایی که اصرار بر ازدواج کودکان دارند و آن‌را تشویق هم می‌کنند و حتی معتقدند هیچ شرط و حدی برای آن وجود ندارد، درست نشود، تا در حول و حوش یک اتفاق ناگوار هیاهو نشود، تا به‌طور دقیق و با جزئیات به جنایت پرداخته نشود، گویا احساسات انسانی مان تحریک نمی‌شود یا حتی گوش‌مان نمی‌شوند. در مورد «رها» برای دیده و شنیده شدن رنجش، چاره‌ای جز این هیاهوی خبری نبود. در این مورد حتی نگرانی در مورد آینده‌اش هم بی‌بهره است؛ رها به هر حال از دست رفته است و آن چنان که روان‌کوان معتقدند چنین کودک‌کافی به ندرت می‌توانند یک زندگی عادی داشته باشند؛ آسیب‌هایی که به جسم و روان آن‌ها می‌خورد چنان سهمناک است که معمولاً به سختی و به ندرت در مان می‌شود. این مشکل، تنها مشکل رها نیست. چندسالی است دختران ریزنقش و کم سن و سال، تحت پوشش ازدواج، مبادله و خرید و فروش می‌شوند و هر چه لایحه و طرح... در این مورد به مجلس می‌روند دست‌از‌پاراز تری می‌گردند برای رد لایحه و طرح‌هایی در مورد منع ازدواج با کودکان زیر ۱۳ سال (حتی زیر ۱۳ سال و نه دیگر ۱۵ یا ۱۸ سال)، توجیه‌ها و دلایل شرعی و سنتی بسیاری آورده

یادداشت

عشق تو چه قدر می‌ارزد؟!

آسیه ویسی

در روزگار ما با تمام گرفت و گیرها و تابوهای عرفی و سنتی و قانونی بازدارنده‌ای که هست، دخترها و پسرها ما را دوستی و عشق‌ورزی، راه خودشان را می‌روند و به هیچ سنت و عرف و قانونی اهمیت نمی‌دهند. دخترها و پسرها در جامعه امروز ما به راحتی وارد رابطه می‌شوند و به راحتی هم از آن خارج می‌شوند. قرار، در این رابطه دلدادگی و عشق در آن معنایی که ادبیات و تاریخ ماسرشار از آن است، نیست که خیلی سال‌ها پیش یک شاعری چنین امروزی را برای مان پیش‌بینی کرد که «دیگه دل مثل قدیم عاشق و شیدانمی شه، تو کتابم دیگه اون جور چیز پیدا نمی‌شه!»

اگر تاریخ ادبیات ما مشحون از افسانه سوزناک لیلی و مجنون، و شیرین و فرهاد بود، و در اساطیر ما منیژه‌ای بود که بر سر چاهی که بیژن در آن فرو افتاده بود، آن قدر انتظار کشید

تمام شمس و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمس منوط است به آن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح. خوب از آن‌جا که جای «تشخیص دادگاه صالح» در این نکاح خالی بوده، ورود دادستان ممکن شده است.

خارج از دایره احساسات!

اتفاقاتی از این دست چه به صورت رسمی و بانام ازدواج و چه به اشکال غیر رسمی تحت عنوان «کودک‌آزاری» به شکل عجیبی در جامعه ما در حال افزایش است. ۸ درصد تماس‌های سال گذشته (سال ۹۶) با اورژانس اجتماعی به موارد کودک‌آزاری مربوط بوده است. حسین اسدیگی، رئیس اورژانس اجتماعی بهزیستی کشور با اشاره به آخرین وضعیت کودک‌آزاری در کشور می‌گوید: «طبق آمار گرفته شده در سطح کشور در شش ماه ابتدایی سال ۹۶ در حوزه کودک‌آزاری، تعداد تلفن‌های ثبت شده از طریق (خط ۱۲۳) هشت هزار و ۴۷۸ تماس، سایر خدمات پنج هزار و ۶۷۲ و مرکز مداخله در بحران یک هزار و ۱۹۳ بوده است.» طبق آمار که اسدیگی ارائه می‌دهد در سال گذشته ۸۶ درصد کودک‌آزاری‌ها توسط والدین صورت گرفته است، در مراکز مداخله در بحران، ۱۶۴۲ مورد کودک‌آزاری‌های یعنی ۶۰ درصد آن توسط پدر اتفاق افتاده است.

امبار گردیم سر داستان اصلی خودمان: رها و ازدواج کودک‌کان. ازدواج کودک‌کان که اغلب با تمایل، رضایت و حتی اجبار والدین اتفاق می‌افتد هم مصداق کودک‌آزاری است. این که پدری به هر دلیل و مصلحت شخصی، خانوادگی یا

احتمالاً این روزها و با داغ شدن بحث «کودک همسری» در مورد «بدوفیلی» چیزهایی شنیده‌اید. بدوفیلی یک ناهنجاری روانی است و عبارات است از تمایل جنسی با کودکان معمولاً ۱۳ سال و جوان تر. مبتلایان به بدوفیلی در اکثر مواقع مرد هستند

قبیله‌ای، دختر خردسال خود را در ازای بدهی که در مورد رها چندان زیاد هم نیست، در اختیار مرد جافانده و حتی پیری می‌گذارد، نوعی کودک‌آزاری است که البته بر اساس قانون ما، پدر به عنوان ولی و تصمیم‌گیرنده‌هایی صاحب‌اختیار فرزند خود است و می‌تواند به خصوص در مورد دخترانش هر طوره که دلش خواست تصمیم بگیرد. اما ماجرا سویی دیگری هم دارد: مردی که برای ازدواج به سراغ دختر بچه‌ها می‌رود کیست؟ او چرا ترجیح می‌دهد با دختر خردسالی ازدواج کند و باور رابطه جنسی داشته باشد؟ از این جابه بعد با شیوع و پیدایش همسرهای بچه‌ها ریه و افزایش در جامعه خود و همچنین این مردان، بیمار ندو قانون و شرع بر بیماری اینان صحه می‌گذارد!

کودک‌خواهی یا بدوفیلی
احتمالاً این روزها با داغ شدن بحث «کودک همسری» در مورد «بدوفیلی» چیزهایی شنیده‌اید. بدوفیلی (Pedophilia) یا میل جنسی به

کودکان امروزه به شدت مورد بحث است. بدوفیلی یک ناهنجاری روانی است و عبارت است از تمایل جنسی به کودکان معمولاً ۱۳ سال و جوان تر. مبتلایان به بدوفیلی در اکثر مواقع مرد هستند و غالباً به هر دو جنس دختر و پسر جذب می‌شوند. آمارها نشان می‌دهد دو سوم قربانیان آن‌ها دختران بین ۸ تا ۱۱ سال هستند. متأسفانه برخی از بدوفیلی‌ها در حرفه‌هایی فعالیت دارند که در آن آموزش و یا حفظ سلامت و رفاه کودکان و افراد خردسال را به عهده می‌گیرند و عده‌ای از آن‌ها نیز با کودکان قربانی خود رابطه فیزیکی و یا حتی ژنتیکی دارند. حسین ملکی، پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی در این مورد چنین توضیح می‌دهد: «از آن‌جا که افراد مبتلا به اختلال pedophilic disorder یا تمایل جنسی به کودکان، به دلیل غیرمجاز بودن رفتارشان و سخت‌اندستن این عمل از سوی جوامع انسانی به ندرت برای درمان مراجعه می‌کنند؛ شیوع جمعیتی این اختلال نامعلوم است.» این پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی در ارتباط با افراد بدوفیلی می‌گوید: «بدوفیلیا یک بیماری است؛ این بیماران نشانه‌های روانی خاصی ندارند و به راحتی قابل شناسایی نیستند و حتی ممکن است در میان خانواده‌ها و نزدیکان کودک چنین بیماری‌ها حضور داشته باشند. اکثر افرادی که مرتکب این اعمال می‌شوند مرد هستند، چنین مردانسی علاوه بر این که برای لذت جنسی اقدام به ارتباط جنسی با کودک می‌کنند برای ارضای سلطه‌جویی، آزار و پر خاشگری این کار را انجام می‌دهند.» ملکی با اشاره به این که احتمال ازدواج فرد بدوفیلی با کودکان وجود دارد از قانون گذاران تقاضای کند از ازدواج کودکان (حتی با اجازه والدین و دادگاه) جلوگیری کند تا چنانچه فردی با چنین نیت‌هایی تصمیم به ازدواج با کودک می‌گیرد، نتواند به هدف خود برسد. شواهد آماری نشان می‌دهد کودکان قربانی افراد بدوفیل شانس بسیار کمتری دارند که در بزرگسالی زندگی معمولی داشته باشند و معمولاً تبدیل به افرادی مشکل‌دار می‌شوند. بدوفیل بودن علاوه بر بیماری، یکی از جدی‌ترین جرایم جنسی است و افرادی که به این بیماری مبتلا هستند، باید سریع‌مورد شناسایی قرار گرفته و در برنامه‌های درمانی خاصی شرکت کنند.

بدوفیلی از منظر حقوقی
به موجب اعلامیه جهانی حقوق کودک که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس مورخ بیستم نوامبر ۱۹۵۹ به تصویب رسانده است و کشور ما نیز به این اعلامیه پیوسته است در خصوص بدوفیلی و مجازات آن این گونه مطرح شده است: تمام کشورهای جهان موظفند در مبارزه و جلوگیری از بی‌توجهی، سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استعمار، سوءاستفاده جنسی به وسیله هر کس اعم از اولیاء، قیم، سرپرست

مناصبی داخلی و سنتی که پسوند مزگان با خودش داشته باشد یا خارجی و غیر سنتی مثل ولنتاین - چه کسی نتوانسته است هدیه گرانی بدهد یا بگیرد. امروز عشق یک کالا است و نه یک احساس. کالایی که می‌شود برای آن ارزش مادی تعیین کرد و به همین مناسبت به راحتی می‌توان آن را خرید و عشق امروز هیچ حد و مرزی ندارد. رابطه‌ها، یک طرف و یک سو ندارد. هر فرد در یک زمان درگیر چند رابطه است و میزان علاقه و وفاداری صرفاً با کالایی که هدیه داده می‌شود ارتباط دارد. عشق در روزگار ما مثل هر چیز دیگر، کالایی شده است. وقتی هم از کالا حرف می‌زنیم یعنی داریم به حساب بانکی، شغل، اتومبیل و حتی یک ساعت مچی خاص اشاره می‌کنیم. در این میان، اگر رابطه جدی تر شود، معامله شکل حادثی به خود می‌گیرد، چه چیزهایی از زمین و خانه و ماشین و ویلا و چه سهم از کارخانه و شرکت قرار است به اسم عروس نوشته شود و این‌ها همه به بهانه تضمین یک زندگی است. اما البته اگر پیش همین دخترها، از کالایی شدن خودشان و عشق و مهرشان، حرفی به میان بیاید یک شک زره فمینیستی می‌پوشند و در جبهه مقابل مردان می‌ایستند و از آزادی‌های

شهرهای ۱۱ ساله!، عضو شورای روستای خودش است. او مردی است که مردم روستا به او اعتماد کرده و تصمیم‌های مهم جامعه روستایی خود را به او سپرده‌اند؛ اما همین مرد، در ازای طلبی که از پدر رها داشته، دختر خردسال را از او خریده است

مدرسه و یا هر شخص دیگری که با امکان بهره‌گیری جنسی از کودک به هر طریق کودک را مورد آیداء و آزار قرار می‌دهد و تلاش کند در هر نوع عملی که موجب اضرار و آیداء و آزار کودک در جهت سودجویی جنسی کودک می‌شود اعم از تماس‌های شهوت‌انگیز، لواط و هر نوع آمیزش غیرقانونی، استفاده از کودکان در روسپیگری، ربودن کودکان، قاچاق کودکان و معامله آن‌ها... سوءاستفاده جنسی از طریق شکنجه و آزارهای جنسی، جلوگیری کنند و باشند و بدون هر گونه ملاحظه اجتماعی یا سیاسی از این مجرمین آنان را مجازات نمایند. در قانون مجازات اسلامی ایران نیز با تصریح و باور بر این موضوع که جرایم علیه اطفال که قطعاً منجر به آیداء و آزار کودکان به هر طریقی می‌شود، دارای ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی است. رکن مادی جرایم علیه اطفال در سه بخش است، مرتکب جرم یعنی هر شخصی که با قصد آزار و آیداء علیه اطفال به ارتکاب این جرم مبادرت ورزیده است، موضوع جرم، که به‌طور اعم هر نوع تجاوز و تعرض وار تکاب عملی بر علیه اطفال است و فعل مرتکب که انجام خلاف علیه طفل و به‌طور اخص انجام عمل جنسی به هر صورت علیه طفل مجنی علیه می‌باشد.

رها و این دست به دست شدن‌ها!

شهرهای ۱۱ ساله، عضو شورای روستای خودش است. شهر رها، مردی است که مردم روستا به او اعتماد کرده و تصمیم‌های مهم جامعه روستایی خود را به او سپرده‌اند؛ اما همین مرد، در ازای طلبی که از پدر رها داشته، دختر خردسال را از او خریده می‌گویی خرید چون هیچ‌اسم دیگری نمی‌توان روی این معامله گذاشت. او دقیقاً مقام موقعیت خود سوسو استفاده کرده است و بنابراین عمل او از دو جنبه باید مورد بررسی قانونی قرار بگیرد؛ خریدن کودک در قبال طلب و سوءاستفاده از موقعیتی که در شورای روستا داشته حالا البته طبق گزارش‌ها، پدر و شوهر رها تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند و رها را اختیار بهزیستی است. اما رها، یک خواهر ۱۳ ساله هم دارد که پدرش او را به مردی پیر از همین روستا واگذار کرده است. چه خوف‌انگیز و سزاوار سوگوری است ماجراهایی که در آن‌ها دختران خردسال سز زمین‌مان مثل پول خرخر می‌شوند!

انسانی و مدنی که از آنان سلب شده سخن می‌گویند. آهن پرستی، شیر و پلنگ وزن و مرد نمی‌شناسد. جامعه ما در روابط خود، مثل هر چیز دیگری، دچار تناقض بیمارگونه‌ای است و هنوز که هنوز است نتوانسته است با این تناقض‌ها کنار بیاید و حل‌شان کند. مردان از سویی از آهن پرستی زنان حرف می‌زنند اما خود به هر طریقی که راه به دست آوردن این آهن و آن میز و آن مقام و آن سرمایه سر و جان می‌بازند. زنان از آزادی و برابری و نیز استقلال دم می‌زنند اما حاضر نیستند از سنت مهریه و شیربها و سند پشت قبایله ازدواج کوتاه بیایند و ثابت کنند که موجوداتی مستقل‌اند و اراده‌دار خود را تحت هر شرایطی دارند. اما البته در این میان نباید خلاهای قانونی و عدم حمایت‌های اجتماعی لازم از زنان را نیز از یاد برد، نباید از یاد برد که یک دختر اگر از مر حله پلنگی به بانوی خانه تغییر مقام دهد، اگر فردا روزی خواست از زندگی که در آن امنیت ندارد خارج شود، تحت حمایت کدام قانون تأمین و اصلا قانونی هست که آزادی و استقلال او را به رسمیت بشناسد؟

از گوشه و کنار

تعداد محیط بانان تا پنج سال آینده ۲ برابر می‌شود



فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست با اشاره به این که در راستای حفظ محیط زیست کشور و انتقال آن به نسل‌های آینده تا کنون ۱۲۸ نفر از محیط بانان شهید شده‌اند، گفت: بر اساس دستورالعمل مصوب شده تعداد محیط بانان تا پنج سال آینده دو برابر می‌شود. سرهنگ جمشید محبت‌خانی افزود: حوزه محیط بانی سازمان حفاظت محیط زیست در گذشته با نام‌های گارد محیط زیست و شکاربانی شروع به کار کرده بود. از آن جایی که محیط بانی حوزه‌ای است که افراد آن دارای سلاح هستند از سال ۸۷ به عنوان یگان حفاظت سازمان محیط زیست تحت نظارت ستاد کل نیروهای مسلح و نیروی انتظامی شروع به کار کرد. محبت‌خانی با بیان اینکه تا کنون ۱۲۸ نفر از محیط بانان جان خود را برای حفظ امنیت محیط زیست کشور و برای بقای انسان، حیوان و گیاه و حفظ امنیت نسل آینده از دست داده‌اند، اظهار کرد: خوشبختانه طی یک سال گذشته در حوزه محیط‌بانی به ثبات خاصی رسیده‌ایم و برای تأمین تجهیزات و بهبود معیشت محیط بانان اقدامات خوبی صورت گرفته است. فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست با اشاره به این که در نیروی انسانی برای کار محیط‌بانی کمبود داشتیم و محیط بانان همواره از این موضوع رنج می‌برند، گفت: تا پنج سال آینده تعداد محیط بانان دو برابر می‌شود تا موضوع شیفت‌بندی‌های آزاردهنده‌ای که برای آنان وجود داشت حل شود. محبت‌خانی افزود: درباره موضوع محیط‌بانی بحث شهادت و جانبازی محیط بانان وجود داشت که خوشبختانه با عنایت فرمانده کل قوا دستورالعملی صادر شد که از ۱۷ فورین ماه امسال جهت اجراء به تمام دستگاه‌ها ابلاغ شد. در این دستورالعمل تأکید شده بود که کارکنان یگان حفاظت محیط زیست اگر در راستای اجرای اموریت دچار سانحه شوند در حوزه شهادت و جانبازی قرار می‌گیرند و نگاه به آنان مانند کارکنان نظامی و انتظامی است که این موضوع از جمله توفیقاتی است که یگان حفاظت در این سال‌ها به دست آورده است.

افتتاح دومین خانه حمایتی سالمندان در کشور



مدیر کل بهزیستی لرستان گفت: خانه‌های حمایتی سالمندان با هدف تغییر محل زندگی سالمندان از آسایشگاه‌ها به خانه‌هایی شبیه خانه‌های معمولی و باز توانی روانی سالمندان راه‌اندازی شده است. فاطمه زهرا توکلی در آیین افتتاح خانه‌های حمایتی سالمندان صدیق شهرستان خرم‌آباد افزود: با توجه به تغییر استراتژی و رویکرد سازمان نگهداری سالمندان و معلولین در مراکز کوچک و خانه‌های حمایتی به جای مؤسسات و مراکز آسایشگاهی؛ خانه‌های حمایتی سالمندان جهت ارتقا کیفیت زندگی و اعتماد به نفس و کاهش وابستگی به دیگران و ارزیابی میزان توانمندی فرد سالمند، رویارویی با مشکلات و آماده‌سازی سالمندان برای ورود مجدد به خانواده و جامعه و در فضای مشابه محیط خانواده ایجاد شده‌اند. این مقام مسئول یادآور شد: در آسایشگاه‌های سالمندان، سالمندان با انواع مسائل و مشکلات دوران سالمندی نظیر آلزایمر، فلج‌های ناشی از سکته‌ها و... کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و بودن سالمندان سالم اما فاقد سرپرست مؤثر در کنار سالمندان دارای بیماری و معلولیت، سبب افسردگی و مشکلات روحی می‌شود. توکلی وجود خانه‌های حمایتی را کمک به استقلال سالمندان و ارتقای بهداشت روانی آنان بر شمرد و گفت: سازمان بهزیستی در راستای وظایف بسیار گسترده‌ای که دارد نیازمند حمایت و همکاری خیرین عزیز است. مدیر کل بهزیستی با بیان این که خیر فقط پول نیست گفت: خیر می‌تواند تفکر، اندیشه و یا انرژی مثبتی باشد که یک فرد به‌صورت داوطلبانه می‌تواند در اختیار همونان‌شان قرار دهد.